«دونالد ترامپ»، چهل و پنجمین رئیس‌جمهور آمریکا، با تمام اقدامات و رفتارهای عجیب و زشتش در حالی کاخ سفید را ترک کرد که شاید اتصاف او به لقب «بدنام‌ترینِ رئیس‌جمهور آمریکا» بی‌اساس نباشد. حالا «جو بایدنِ» دموکرات به کاخ سفید آمده است؛ در حالی که کاملاً متوجه بدنامی ترامپ هست و از این بدنامی نهایت بهره را نیز می‌برد و تلاش دارد تا خود را پسر خوب سیاست قالب می‌کند. اما در مقاله پیشِ رو نویسنده کوشیده تا با تمرکز بر مورد حساس چین و روسیه و ترسیم جایگاه آن در سیاست خارجی آمریکایِ بایدن، روشن کند که حداقل سیاست خارجیِ بایدن همچون سیاست ترامپ است و در مواردی ترامپی‌تر از سیاست خارجی ترامپ است و از این طریق، حکمرانی منطقِ «جنگ سرد» بر سیاست خارجی بایدن را هویدا کند.
سرویس خارجی

منطق جنگ سرد در سیاست خارجی جو بایدن

امین الاسلام تهرانی

در دوران ترامپ سیاست خارجی آمریکا متناسب با خطوطی که سند استراتژی امنیت ملی این کشور متمرکز بر شرق آسیا با محوریت چین بود؛ در حالی که سیاست خارجی ترامپ به علت نزدیکی نسبی شخص ترامپ به روسیه تنشی با مسکو نداشت و در این حوزه یک آرامشِ نسبی و شکننده برقرار بود، تا جایی که برخی حتی نام اغراق‌آمیز «ماه عسل آمریکا و روسیه» را بر این دوران نهادند.

این سیاست خارجیِ خصوصاً ضد چینی که «مایک پمپئو» سکانداری‌اش را به عهده داشت به یک رویارویی تمام‌عیار با چین انجامید. درگیری‌های چین و آمریکا با تهدید دو طرف به تعرفه‌گذاری بر کالاهای یکدیگر بسیار بالا گرفت. وقتی چین به خرید محصولات کشاورزی آمریکا پایان داد، این جنگ شکل تازه‌ای به خود گرفت. چین این واکنش را در برابر وضع تعرفه ۳۰۰ میلیارد دلاری بر کالاهای چینی توسط آمریکا، صورت داد؛ چین حدود ۲۰ میلیارد دلار در سال واردات کشاورزی از آمریکا داشت که با این تصمیم چین دیگر این مبلغ عاید آمریکا نخواهد شد. این جنگ اقتصادی تاکنون موجب نوسانات فراوان در بورس‌های آمریکا، اروپا و آسیایی بوده است.

دو سال پایانی ترامپ، یک رویارویی جدیِ اقتصادی، سیاسی، دیپلماتیک، امنیتی و حتی نظامی بین آمریکا و چین در جریان بود که آن را جنگ سرد آمریکا و چین می‌خوانند. هر روز خبری جدید از تهدید و اقدامات خصمانه یکی از طرف‌ها به جهان مخابره می‌شود، به‌ویژه از طرف آمریکایی که در واپسین روزهای حضور ترامپ در کاخ سفید اقدامات ضدچینی‌اش سرعت گرفته و گسترده شده بود. البته این رویارویی که نام «جنگ سردِ جدید» گرفته است را می‌توان وسیع‌تر تعریف کرد به‌صورت جنگ سردِ غرب و شرق؛ که بررسی آن در این مجال نمی‌گنجد. جنگ اقتصادی، سیاسی و دیپلماتیک بالا گرفت و کار به جایی رسید که وزیر امور خارجه آمریکا خواستار آن شد تا واشنگتن و هم‌پیمانانش از راه‌های خلاقانه‌تر و جسورانه‌تر برای تحت فشار قرار دادن حزب کمونیست چین جهت تغییر مسیرش استفاده کنند و این کار را «مأموریت زمان ما» خواند.

اما آیا با برآمدنِ بایدن دوران سیاست خارجی‌ای که منطق «جنگ سرد» بر آن حاکمیت داشت، پایان یافته است؟ پاسخ «خیر» به این پرسش با دو بخش آتی این مقاله روشن خواهد شد. در بخش اول، اوضاع آمریکای بایدن با چین بررسی می‌شود و در بخش دوم اوضاع روابط خارجی بایدن با روسیه تا روشن شود که منطق حاکم بر سیاست بایدن همان منطقِ «جنگ سرد» است. (البته روشن است که این وضع تنها از جهاتی که شباهت با دوران روابط آمریکا- شوروی دارد، مورد نظر است؛ و الا هویداست که هر دوران اقتضائات ویژه خود را نیز دارد)

دولت بایدن و چین

در خبرها آمد که کمیته روابط خارجی مجلس سنای آمریکا از تصدی سمت وزیر خارجه آمریکا توسط «آنتونی بلینکن» حمایت کرد؛ این‌گونه بلینکن به تصدی سمت وزیر خارجه آمریکا نزدیک شد. او در همان بدو امر تصریح کرده بود که از رویکرد سختگیرانه دولت ترامپ در مقابل چین حمایت می‌کند. همان زمان در جلسه تأیید ژنرال «لوید آستین»، گزینه

نکردند. وی همچنین این افزایش فعالیت‌های چین در این منطقه را به‌عنوان تازه‌ترین نمونه از اقدامات تهاجمی و بی‌ثبات‌کننده توصیف کرد. کافکا گفت، این اقدامات بیانگر ادامه تلاش ارتش آزادی‌بخش خلق چین برای استفاده از ارتشش به‌عنوان ابزاری برای ارعاب یا تحت فشار گذاشتن کشورهایی که در حریم هوایی و آب‌های بین‌المللی عملیات انجام می‌دهند، است که شامل همسایگانش و آنهایی که با چین بر سر ادعاهای قلمرویی رقابت دارند نیز می‌باشد.

کافکا افزود، آمریکا حضور نظامی دائمی دارد و مرتباً در سراسر منطقه هند- آرام از جمله در آب‌ها و حریم هوایی پیرامون دریای چین جنوبی و دریای چین شرقی درست همان طور که در ۲۴۰ سال گذشته به این منطقه نزدیک شده‌ایم، عملیات انجام می‌دهیم. عملیات‌های ما نمایش مداوم تمایل ما برای حمایت از یک منطقه هند- آرام آزاد برای همه کشورها تحت قوانین بین‌المللی است.

البته این مقام آمریکایی از تحریک‌کننده بودن حضور بی‌پایان ناوهای کشورش در اطراف چین چیزی نگفت. کار در روزهای اخیر به جایی رسید که ارتش آمریکا روز جمعه با تأیید گزارش روزنامه انگلیسی «فایننشال‌تایمز» اعلام کرد که بمب‌افکن‌های چین [در واکنش به حضور ناوهای آمریکا در آب‌های چین جنوبی] اخیراً حمله به ناو هواپیمابر نیروی دریایی آمریکا در دریای جنوبی چین را شبیه‌سازی کرده‌اند.

در بحبوحه تنش‌ها میان واشنگتن و پکن درخصوص مسئله تایوان، یک ناوگروه نظامی آمریکایی با هدایت ناو هواپیمابر «یو اس اس تئودور روزولت» اوایل هفته گذشته وارد دریای جنوبی چین شد. در پی اقدام واشنگتن در ورود به آب‌های مورد مناقشه چین، ارتش پکن نیز هشت بمب‌افکن «H- ۶K»، چهار جنگنده «جی- ۱۶» و یک فروند هواپیمای جنگی ضدزیردریایی «Y- ۸» اعزام کرد که از تایوان به سمت آبراه مورد مناقشه دریای جنوبی چین پرواز کردند.

روزنامه فایننشال تایمز به نقل از افراد آگاه از اطلاعات آمریکا و همپیمانان این کشور روز جمعه گزارش کرد که بمب‌افکن‌ها و جنگنده‌های چین حمله‌ای را به ناوگروه تهاجمی‌تئودور روزولت ایالات متحده شبیه‌سازی کرده است. خلبان‌های بمب‌افکن‌های چین نیز ظاهراً دستورات حمله دریایی و شبیه‌سازی شلیک موشک‌های ضدکشتی را تأیید کرده‌اند.

«جیک سالیوان»، مشاور امنیت ملی آمریکا، نیز در جریان دیداری در موسسه آمریکایی صلح در واشنگتن گفت، آمریکا باید آماده اعمال مجازات و اقداماتی علیه چین بابت آنچه در سین‌کیانگ و هنگ‌کنگ انجام می‌دهد و تهدیدهایی که علیه تایوان روا می‌دارد، باشد. او نگفت که واشنگتن چه اقداماتی را ممکن است انجام دهد اما به این نکته اشاره کرد، مسئله چین در راس مسائلی است که بین ایالات متحده و متحدانش در اروپا مورد بررسی قرار گرفته است.

این مقام امنیت ملی آمریکا در دولت بایدن همچنین بر ضرورت واکنش‌های مشترک با اروپا در قبال آن‌چه سوءاستفاده‌های تجاری و فناوری چین نامید، تأکید کرد و افزود، ما درباره این‌چنین موضوعاتی رویکردی همسو نداریم. فکر می‌کنم چین مسئله‌ای است که می‌تواند به‌عنوان کاری مشترک بین ما و متحدانمان قرار گیرد و ما باید درباره آن اتفاق نظر داشته باشیم و همکاری کنیم.

این سخنان سالیوان نشان می‌دهد که دولت بایدن نه تنها آن جنگِ اقتصادی، سیاسی، دیپلماتیک و امنیتی را که دولت ترامپ به راه انداخته بود را ادامه خواهد داد، بلکه یک جنگ تمام‌عیار حقوق بشری را نیز علیه چین پیگیری خواهد کرد. اما اینکه دولت بایدن گفته که خواستار همکاری با پکن در اولویت‌های سیاست‌گذاری چون تغییرات جوی است، برای خالی نبودن عریضه است. به یاد داشته باشیم که وزیر خارجه بایدن نیز تصمیم لحظه آخری پمپئو را درباره این‌که چین در سین‌کیانگ نسل‌کشی مرتکب شده، ستوده است. این اقدام فشار برای تحریم‌های بیشتری از سوی آمریکا در قبال چین را افزایش می‌دهد. دولت بایدن همچنین در بحبوحه افزایش فعالیت‌های نظامی چین در نزدیکی جزیره تایوان، بیانیه‌ای محکم در حمایت از حکمرانانِ استقلال‌طلب تایوان که چین واحد را منکراند، منتشر و تأکید کرد که دولت آمریکا به تعهداتش در قبال تایوان قاطعانه پایبند است. تمام این مفاد پیش گفته نشان می‌دهد که منطق جنگ سرد در سیاست خارجی بایدن در قبال چین کاملاً حکم‌فرماست.

دولت بایدن و روسیه

اما در مورد روسیه جریان متفاوت است. معروف بود که دولت ترامپ به‌ویژه شخص او رویکرد نسبتاً مثبتی در قبال روسیه دارد تا جایی که «جان بولتون»، مشاور پیشین امنیت ملی ترامپ، در کتابش ادعا کرد که پوتین، افسر سابق کا.گ.ب، می‌توانست ترامپ را مانند موم در مشتش شکل دهد. ادعایی که کرملین فورا رد کرد؛ اما دولت بایدن از همان ابتدا شمشیر را برای روسیه از رو بسته است. چندی پیش «الکسی ناوالنی»، یکی از رهبران مخالفان روسیه، وارد خاک این کشور شد و در بدو ورودش به فرودگاه دستگیر شد، چرا که گفته می‌شود، ناوالنی در پرونده‌ای موسوم به «روچر» با مجازات تعلیقی مواجه است و به علت از دست دادن حضور در چندین جلسه بازپرسی (به علت حضورش در خارج از کشور) در فهرست افراد تحت تعقیب دولت روسیه قرار گرفته بود. با دستگیری او مخالفان دولت روسیه و دوستداران ناوالنی قصد داشتند در اعتراض به بازداشتش تجمعات اعتراضی برگزار کنند. بعد از این بود که سفارت آمریکا در اقدامی که مداخله‌جویانه توصیف شد، بیانیه‌ای صادر کرد و به بهانه دفاع از شهروندانش در روسیه «فهرست نقاط محل تجمع معترضین» را منتشر کرد. اقدامی که واکنش تند روسیه را در پی داشت.

پس از آن سخنگوی کاخ سفید تصریح کرد دولت بایدن در بررسی‌های خود برای واکنش به دستگیری آلکسی ناوالنی، این مخالف غربگرای دولت روسیه، همه گزینه‌ها را روی میز نگاه خواهد داشت. خود جو بایدن نیز روز سه‌شنبه (۷ بهمن/ ۲۶ ژانویه) وارد ماجرا شد و صریحاً گفت که از رفتار روسیه بسیار نگران است. او گفت: «ما هم می‌توانیم در قالب توافق استارت‌نو [با روسیه] در راستای منافع کشورمان کار کنیم و هم این را برای روسیه روشن کنیم که درباره رفتارشان چه در قضیه آلکسی ناوالنی چه در ماجرای سولاروبیندز و چه در گزارش‌های مربوط به تعیین جایزه برای سر سربازان آمریکایی در افغانستان بسیار نگرانیم.»

کاخ سفید بایدن همچنین گفته است که او به جامعه اطلاعاتی آمریکا دستور داده درباره مسمومیت مشکوک ناوالنی به دست کرملین، و همچنین اتهام دخالت روسیه در انتخابات و گزارش هک گسترده اخیر پایگاه‌های داده‌های دولت آمریکا تحقیق کند.

به نوشته وبگاه «استراپیس» ناوشکن «یو اس اس پورتر» چندی پیش در حمایت از نیروهای ناتو وارد دریای سیاه شد تا به دو ناو جنگی دیگر آمریکا در این منطقه راهبردی بپیوندد. یک کشتی دیگر نیز در روزهای گذشته با دادن سوخت به ناوشکن یو اس اس پورتر این کشتی را قادر ساخت بدون نیاز به حضور در بندر و سوختگیری به مأموریت خود در دریا ادامه دهد. در سال‌های گذشته آمریکا اعلام کرده که حضور پرقدرت نظامی را در دریای سیاه که شامل شبه‌جزیره کریمه است، خواستار است.

یک مقام ارشد نظامی سابق آمریکا در اظهارنظری در زمینه این تحرک نظامی گفت، ما باید اولویت را در منطقه دریای سیاه افزایش دهیم. نیروی‌دریایی آمریکا نیازهای زیادی دارد و منابع کنونی کافی نیست. رسانه‌های روسی نیز خبر دادند همزمان با این تحرک نظامی، یک سامانه متحرک موشکی ضد کشتی این کشور در کریمه به بهانه تمرین نظامی فعال شده است. ناوگان دریای سیاه نیروی‌دریایی روسیه بارها اعلام کرده که در حال پایش تحرکات کشتی‌های آمریکایی و دیگر اعضای ناتو در منطقه است.

وزارت دفاع روسیه چندی قبل به همین منظور از برگزاری رزمایش بزرگ در دریای سیاه خبر داد. به گفته وزارت دفاع روسیه، ۲۰ کشتی جنگی به همراهی بالگردها و هواپیماهای نظامی ناوگان دریای سیاه این کشور در این رزمایش شرکت کردند.نیروهای مسلح روسیه در این رزمایش، نبرد دریایی و عملیات‌های پدافند هوایی و جنگال را تمرین کردند.

تمام این موارد پیش‌بینی بنیاد مشهور آمریکایی را تأیید می‌کند؛ چندی پیش اندیشکده «کارنگی» آمریکا در گزارشی نوشته بود، بایدن روسیه را بزرگ‌ترین تهدید برای آمریکا می‌داند که سیاست تضعیف کشورهای غربی و تضعیف نهادهای غربی مانند ناتو و اتحادیه اروپا و واژگونی نظم لیبرال غربی را دنبال می‌کند. این اندیشکده همچنین پیش‌بینی کرده بود که چهار سال آینده برای روابط آمریکا و روسیه پرتلاطم خواهد بود.

لازم به یادآوری است که وزارت خارجه روسیه نسبت به مداخله آمریکا در امور داخلی خود و پیامدهای آن هشدار داده است. آمریکا و برخی کشورهای غربی به شدت حامی ناوالنی منتقد دولت روسیه هستند. روز یکشنبه برخی هواداران ناوالنی به خیابان‌ها آمده و بین نیروهای امنیتی و آنها تقابل صورت گرفت.

وزیر امور خارجه بایدن در همان روزهای اولی که برای این مقام معرفی شد، تصریح کرده بود که از رویکرد سختگیرانه دولت ترامپ در مقابل چین حمایت می‌کند. رویکردی که نشان می‌دهد، منطق «جنگ سرد» بر روابط چین و آمریکا در دوران بایدن حکمفرما خواهد بود.

CARNEGIE
ENDOWMENT FOR
INTERNATIONAL PEACE

چندی پیش اندیشکده «کارنگی» آمریکا در گزارشی نوشته بود، بایدن روسیه را بزرگ‌ترین تهدید برای آمریکا می‌داند که سیاست تضعیف کشورهای غربی و تضعیف نهادهای غربی مانند ناتو و اتحادیه اروپا و واژگونی نظم لیبرال غربی را دنبال می‌کند. این اندیشکده همچنین پیش‌بینی کرده بود که چهار سال آینده برای روابط آمریکا و روسیه پرتلاطم خواهد بود.

وزارت خارجه روسیه در واکنش به موضع‌گیری‌های مداخله‌جویانه آمریکا در مسئله ناوالنی در روزهای گذشته نیز اعلام کرد که نفاق‌افکنی، ابزار دموکراسی آمریکایی به‌ویژه در دوره خطرناک همه‌گیری کروناست. این وزارتخانه به مقامات آمریکایی توصیه کرد با توقف دخالت در امور سایر کشورها حواسشان را به مشکلات خود معطوف کنند.

گرچه کرملین ضمن نشر اعلامیه‌ای گفته است که «تمدید (پیمان استارت نو) به نفع کشورهای ما (روسیه و آمریکا) و تمام جهان است.» پیش از آن رئیس‌جمهور روسیه و رئیس آمریکا برای اولین بار با یکدیگر تلفنی صحبت کردند. کاخ سفید گفته است که بایدن در این گفت‌وگو نگرانی‌ها در مورد بازداشت ناوالنی، اتهام شمولیت روسیه در جاسوسی سایبری و گزارش‌ها در مورد پیشکش انعام از سوی روسیه برای کشتن سربازان آمریکایی در افغانستان را نیز مطرح کرده است. در اعلامیه کرملین آمده است که هر دو طرف برای تمدید آخرین توافقنامه مهم کاهش سلاح‌های هسته‌ای بین دو کشور برای پنج سال آینده، در اصول آمادگی‌شان را ابراز داشته‌اند. گفته شده که پوتین حتی در این رابطه پیش‌نویس قانونی را مستقیماً به پارلمان روسیه معرفی کرده است. لئونید سلوتسکی، رئیس کمیته امور خارجی «دومای دولتی» (مجلس سفلای مجمع فدرال روسیه)، گفته است که روند تصویب این قانون بلافاصله آغاز می‌شود.

در معاهده استارت نو درج شده است که هر یک از کشورهای آمریکا و روسیه کلاهک‌های اتمی خود را به ۱۵۵۰ و جنگ‌افزارهای اتمی مانند راکت‌های اتمی و جت‌های جنگی مجهز به کلاهک اتمی را به ۸۰۰ کاهش بدهند. این پیمان برای مدت ده سال اعتبار دارد که به تاریخ ۵ فوریه ۲۰۲۱ (۱۷ بهمن ماه) پایان می‌یابد.

گرچه این معاهده شاید نقطه مثبتی تلقی شود، اما نمی‌تواند منطق جنگ سردی که بر روابط آمریکای بایدن و روسیه سایه افکنده را رد کند. باید توجه کرد که بایدن همچون بسیاری از دموکرات‌های دیگر مؤلفه حقوق بشر را نیز وارد معادلات پیچیده بین آمریکا و روسیه (همچون روابط آمریکا و چین) می‌کند و فضای یخ زده دو طرف را شکننده‌تر می‌کند.

انجام بحث

باید گفت که گرچه تقابل با چین بخشی از استراتژی ملی آمریکاست، اما به‌نظر می‌رسد که رئیس‌جمهور تازه رسیده آمریکا، در مقایسه با دولت ترامپ نسبت به روسیه حساسیت بیشتری دارد و این رئیس‌جمهور، نسبت به ترامپ، روابط این دو کشور را به فضای جنگ سرد بیشتر نزدیک می‌کند.

باید توجه داشت، قطعاً رفت و آمد رئیس‌جمهورهای آمریکا بر سیاست داخلی و خارجی این کشور تأثیرگذار است، اما این‌گونه نیست که این سیاست‌ها (به‌ویژه سیاست خارجی) یکسره تابعی محض از کنش‌های شخص رئیس‌جمهور آمریکا باشد. چنان‌که «نوام چامسکی»، فیلسوف، زبان‌شناس و تحلیلگر سیاسیِ شهیر آمریکا، چند سال پیش تأکید کرده بود، جریانِ تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در آمریکا دارای زنجیری است که تنها یکی از این حلقه‌های آن شخص رئیس‌جمهور است، کارتل‌های نفتی، لابی‌های اسرائیلی و... به‌عنوان دیگر حلقات همه و همه بر سیاست‌های آمریکا تأثیر می‌گذارند و آنها را می‌سازند.

تمام این اخبار نشان می‌دهد که سیاست خارجی بایدن را باید در ادامه سیاست خارجی ترامپ تفسیر کرد، گاهی هم رادیکال‌تر از آن، البته با تفاوت در مشی که‌گریزناپذیر است. این مسئله، قدرتِ حلقات دیگر تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در آمریکا را نشان می‌دهد که سیاست خارجی آمریکا تابعی از نقش‌آفرینی همه آن‌هاست.

جایگاه بین‌المللی آمریکا در دوران پسا ترامپ

متن سخنرانی «جو بایدن» در مراسم تحلیف ریاست‌جمهوری‌اش می‌تواند بسیاری از مسائل درباره افول جایگاه آمریکا در جهان را روشن سازد. او در این سخنرانی که بعد از ماه‌ها درگیری و تنش سیاسی در فضای سیاسی آمریکا صورت می‌گرفت، سعی کرد با تأکید بیشتر بر اتحاد بین مردم، شرایط برای آغاز فعالیت‌هایش در واشنگتن به‌صورت آرام را فراهم سازد.

بااین‌حال، نگاهی به فعالیت‌های دموکرات‌ها در فضای سیاسی واشنگتن و همچنین برنامه‌هایی که برای آینده و نوع برخورد با حزب جمهوری‌خواه و ترامپ دارند، نشان می‌دهد بایدن و دولتش چندان هم به فکر متحد کردن مردم نبوده و تلاش دارند با سرعت تمام و البته

یک‌جانبه‌گرایی تمام به اجرای برنامه‌های خود در ایالات‌متحده و جهان بپردازند. بخشی از سخنرانی بایدن که در آن بیان می‌کرد، «امروز ما نه پیروزی یک نامزد، بلکه یک آرمان، آرمان دموکراسی را جشن می‌گیریم» ناظر بر همین مسئله بود. او در ادامه سخنرانی‌اش بیان کرد: «ما بار دیگر آموختیم که دموکراسی ارزشمند است. دموکراسی شکننده است و در این لحظه، دوستان من، دموکراسی چیره شده است.» ازنظر دموکرات‌ها، پیروزی بایدن و درنهایت برگزار شدن مراسم تحلیف او در میان جمعیت عظیم نیروهای گارد ملی نمادی از برقراری دموکراسی در آمریکا است و بزرگ‌ترین تهدید برای این دموکراسی نیز وجود افرادی مانند دونالد ترامپ در فضای سیاسی آمریکا است که خود را بخشی از «مرداب واشنگتن» نمی‌دانند.

تلاش دولت بایدن برای اتحاد در داخل این کشور، هرچه باشد و هر نتیجه‌ای به دنبال داشته باشد، درنهایت نمی‌تواند نظر در حدود نیمی‌از رأی‌دهندگان راجع به حمایتشان از ترامپ یا به بیان بهتر شعار «اول آمریکا»ی او را تغییر دهد. به‌نظر نمی‌رسد آتش زیر خاکستر فعلی چندان هم بتواند غیرفعال و سرد باقی بماند و به‌احتمال‌زیاد دوپارگی و دودستگی موجود در فضای سیاسی آمریکا، تأثیر خود را بر روی جایگاه این کشور در دنیا و سیاست بین‌الملل خواهد گذاشت.

بایدن در این خصوص تلاش کرده است با برخی اقدامات نمادین در روز اول ریاست‌جمهوری‌اش، بار دیگر جایگاه آمریکا در جهان را برای کشورهای مختلف دنیا گوشزد کند. او به‌سرعت به یکی از وعده‌های اصلی خود در دوران رقابت‌های انتخابات ریاست‌جمهوری جامه عمل پوشاند و به پیمان آب و هوایی پاریس بازگشت. در قدم دوم، او دستور داد فرمان اجرایی مهاجرتی ترامپ لغو شود و با مهاجران غیرقانونی نیز مانند زمان ترامپ رفتار نشده و ساخت دیوار مرزی با مکزیک متوقف شود. او در عین حال وعده داده که آمریکا به سازمان بهداشت جهانی بازمی‌گردد و همکاری مؤثرتری برای از بین بردن کرونا در جهان انجام می‌دهد.

چهل و ششمین رئیس‌جمهور آمریکا در ادامه مطرح کرده است که با سایر رهبران کشورهای دنیا در مورد نوع مواجهه با ایران و توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ مذاکره خواهد کرد و درنهایت اینکه در سخنرانی خود پس از مراسم سوگند تأکید کرد که آمریکا بار دیگر نقش «رهبری» که برای خود در سطح بین‌المللی در نظر گرفته را باز پس می‌گیرد؛ نقشی که از جنگ جهانی دوم بر عهده داشته و در دوران چهار سال ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ، نادیده گرفته شد.

اما آیا با وضعیت و شرایط فعلی سیاسی و اجتماعی در درون آمریکا این مسئله به وقوع می‌پیوندد و یا اینکه بایدن برای پیمودن راهی که در نظر گرفته با موانع زیادی روبه‌روست؟ مسئله مهم در اینجا که معمولاً در تحلیل‌های کارشناسان متمایل به حزب دموکرات مطرح نمی‌شود و سعی دارند به‌آسانی هرچه تمام‌تر از آن بگذرند، شکاف اجتماعی و سیاسی موجود در جامعه آمریکا و به‌خصوص در بین سیاستمداران آمریکایی است که می‌تواند هر رئیس‌جمهوری را با هر میزان رأی و قدرت با خطر جدی مواجه سازد.

دموکرات‌ها در شرایط فعلی متصور شده‌اند که هم ریاست جمهوری را به دست آورده‌اند، هم همراهی شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها را با خود به همراه دارند و از همه مهم‌تر، مجلس نمایندگان و سنا را نیز با خود همراه می‌بینند. اما تمام این فرضیات نمی‌تواند تأثیری بر روی خواست و اراده مردمی و سیاستمداران جمهوری‌خواهی که هنوز هم بایدن را رئیس‌جمهور نمی‌دانند و یا اینکه حداقل هاله‌ای از ابهام برای مشروعیت انتخاب او قائلند، داشته باشد.

دموکرات‌ها می‌خواهند با برخی فرمان‌های اجرایی بایدن و یا تلاش‌ها در کنگره برای همراهی با دولت او، شرایط برای اجرایی شدن تعدادی از تصمیمات مانند برنامه‌های آتی برای توزیع ثروت در آمریکا، برنامه‌های مهاجرتی، برنامه‌های حمایت از اقلیت‌های نژادی و یا مقابله با تبعیض نژادی و برنامه‌های بین‌المللی که نشان‌دهنده چندجانبه گرایی بین‌المللی رئیس‌جمهور جدید است را به اجرا در آورند.

اکثریت شکننده دموکرات‌ها در مجلس سنا اما نمی‌تواند تضمینی برای اجرایی شدن این برنامه‌ها باشد. مهم‌ترین مشکل در شرایط فعلی اما قانع ساختن جمهوری‌خواهان تندروی حامی‌ترامپ مانند تدکروز و یا جاش‌هاولی و دیگر افرادی از این قبیل در مجلس نمایندگان و سنا در مورد پیروزی بایدن است.

آنها هنوز هم همچنان از ترامپ حمایت می‌کنند و البته هزینه این حمایت را نیز تاکنون پرداخته و می‌پردازند. در مجلس نمایندگان نیز دموکرات‌ها تعداد زیادی از کرسی‌های خود را از دست داده‌اند و شکننده‌ترین نوع اکثریت را در تاریخ جدید آمریکا با خود به همراه دارند. مجلس سنا نیز تقریباً می‌توان بیان کرد که به‌صورت کلی به‌صورت ۵۰-۵۰ بین دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان تقسیم شده و در موارد حساس، این رأی کامالا هریس است که می‌تواند تا حد زیادی تکلیف طرح‌های مهم را تعیین کند و البته هنوز هم امکان دارد جنگ و شکاف اجتماعی موجود در خیابان‌ها، در نهایت به راهروهای کنگره و بین نمایندگان دو مجلس کشیده شود.

نکته مهم در این خصوص که گاهی اوقات به دست فراموشی سپرده می‌شود این است که سیاست خارجی تنها از طریق فرمان‌های اجرایی رئیس‌جمهور تعیین نمی‌شود و رئیس ایالات‌متحده برای اجرایی کردن برنامه‌هایش در حوزه سیاست خارجی باید هماهنگی بسیار زیادی با مجلس نمایندگان و سنا داشته و از قدرت مضاعفی در داخل سیستم سیاسی و اجتماعی آمریکا برخوردار باشد.

علت تصویب نشدن برجام در مجلس سنای آمریکا و تبدیل نکردن این توافقنامه به سند قانونی و «معاهده» در مجلس سنای آمریکا در سال ۲۰۱۵، ضعف دولت اوباما در اقناع نمایندگان مجلس برای رأی دادن به این توافق بود.

دولت بایدن از این منظر حتی از دولت اوباما نیز ضعیف‌تر است و با وجود همه تبلیغات، هنوز هم از همراهی اکثریت مردم و یا سیاستمداران برخوردار نیست.

شاید بایدن در طول چند روز ابتدایی دوران ریاست‌جمهوری‌اش به‌دنبال از بین بردن میراث ترامپ در سیستم سیاسی آمریکا باشد اما از بین بردن چهار سال دشمنی، بی‌تدبیری و یک‌جانبه‌گرایی در فضای بین‌المللی باید زمان بیشتری پیش روی خود داشته باشد و تا آن زمان، آمریکا همچنان کشوری ضعیف و با مشکلات داخلی فراوان در سیستم روابط بین‌الملل است و نمی‌تواند جایگاه قبلی خود را به‌عنوان «رهبر» جهان از جامعه بین‌الملل مطالبه کند.

منبع: پایگاه بصیرت